

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره اول

بهار ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۵

نقش اصحاب امام جواد علیه السلام در تاریخ‌نگاری دوره عباسی (مطالعه موردی: اصحاب حاضر در قلمرو جغرافیایی ایران)

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

سید مصطفی طباطبایی*

سید احمد عقیلی**

سمانه حجارپور خلیج***

بررسی فعالیت‌های گوناگون اصحاب ائمه علیهم السلام ابعاد تازه‌ای از تاریخ تشیع را باز می‌نمایاند. نقش اصحاب ایرانی ائمه از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است و تأثیر آن‌ها در تاریخ‌نگاری را می‌توان از جمله این نقش‌ها برشمرد. بر اساس گزارش شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ.ق) ۳۷ تن از ۱۱۶ نفر اصحاب امام جواد علیه السلام ایرانی بودند و تنی چند از آنان، در قالب نگارش کتاب و رساله در زمینه سیره، رجال، طبقات، ملاحم و مزارات، نوشته‌های تاریخی قابل ملاحظه‌ای پدید آوردند. این نوشتار ضمن معرفی این آثار، نقش آن‌ها را در

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان؛ dr.tabatabaey@gmail.com

** استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

seyedahmad.aghili@yahoo.com

*** کارشناس ارشد تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی؛ s.hajjarpoor.1364@gmail.com

تحریف‌زدایی از تاریخ‌نگاری رسمی دوره عباسی و ثبت رویدادها بر اساس

معیارهای مکتب اهل بیت علیهم السلام بررسی کرده است.

کلیدواژگان: امام جواد علیه السلام، اصحاب ایرانی امامان شیعه علیهم السلام، تاریخ‌نگاری،

تاریخ‌نگاری اسلامی، خلافت عباسی.

مقدمه

امام جواد علیه السلام در دهم رجب و به قولی در نوزدهم ماه رمضان سال ۱۹۵ هجری قمری به دنیا آمد. نام مادرش سبیکه نوبیه بود که امام رضا علیه السلام او را خیزران نامید. القاب وی تقی، جواد، قانع، زکی، منتجب و مرتضی و کنیه‌اش ابوجعفر ثانی است.^۱

به امامت رسیدن ایشان در سن کم، اضطرابی در میان شیعیان به وجود آورد و جهان تشیع را با دو سؤال اساسی روبه‌رو کرد. یکی اینکه آیا کودک نابالغ می‌تواند امام باشد؟ و دیگر اینکه آیا یک کودک توانایی رهبری جهان تشیع را دارد؟

امام رضا علیه السلام که احتمال می‌داد چنین شبهاتی درباره امامت امام جواد علیه السلام پیش‌آید، در دوران امامت و در سال‌های پایانی حیات خویش، برخی بزرگان شیعه همانند ابویحیی صنعانی،^۲ ابن سابط و عبّاد بن اسماعیل^۳ را بر امامت امام جواد علیه السلام شاهد گرفت.^۴ امام جواد علیه السلام نیز با آگاهی تمام، در چند جای، به پرسندگان و تردیدکنندگان پاسخ گفت و استدلال کرد که امامت، منصب و مقامی الهی است و اگر اراده خداوند تعلق گیرد، این شایستگی و ظرفیت برای عهده‌دار شدن امانت و مسؤولیت ایجاد می‌شود. در کنار این استدلال، نمونه‌های تاریخی را هم ذکر فرمود که برخی پیامبران الهی در کودکی به پیامبری رسیدند و کتب آسمانی تورات و انجیل و قرآن نیز از آنان یاد کرده است.^۵ امام علیه السلام با این استدلال، از اراده خداوندی در سپردن مسؤولیت الهی به افراد کم‌سن، ولی دارای توان و علم و حکمت، سخن می‌گفت.

به هر روی بیشتر شیعیانی که در امامت امام جواد شک داشتند پس از مدت زمانی با

دیدن نشانه‌های امامت، و به خصوص علم ایشان، و نیز با دیدن پیروی بزرگان شیعه و بنی‌هاشم از ایشان، مانند عمومی امام، امامت ایشان را پذیرفتند.

با استقرار کامل امامت امام محمد بن علی علیه السلام و فراگیر شدن آوازه علمی ایشان و شیفتگی مردم به آن حضرت، مأمون احساس خطر کرد و برای جلوگیری از بروز هر اتفاق ناخوشایندی برای دستگاه خلافت، امام را به بغداد فراخواند و دختر خود، ام‌فضل، را به همسری ایشان درآورد تا از این طریق فعالیت امام را زیر نظر داشته باشد.^۶

دوران امامت امام جواد علیه السلام هفده سال به طول انجامید که همزمان با خلافت مأمون (۱۹۳-۲۱۸ هـ.ق) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷ هـ.ق) بود^۷ و در نهایت، ایشان به تحریک خلیفه عباسی و به دست همسر خود، ام‌فضل، در سن ۲۵ سالگی در سال ۲۲۰ هجری قمری به شهادت رسید.

از مجموع ۱۱۶ نفر از اصحاب و یاران ایشان، حدود ۳۷ نفر - که در کتاب *رجال طوسی* یاد شده‌اند - ایرانی‌اند. این دانشمندان ایرانی در دورانی که از خفقان‌آورترین دوران‌ها برای امامان شیعه بود، با ائمه علیهم السلام ارتباط برقرار کردند و پس از دریافت آموزه‌های اسلامی، در نشر دانش و کمک به بالندگی تمدن اسلامی، سعی بلیغ کردند و در برخی از علوم آثار ارزشمندی نگاشتند. در این پژوهش، ابتدا شاگردان ایرانی امام جواد علیه السلام معرفی می‌شوند و سپس نقش آنان در علوم ادبی، به ویژه علم تاریخ،^۸ بررسی می‌شود.

منابع اصلی این تحقیق در دو بخش *منابع رجالی* و *منابع مربوط به تاریخ اهل بیت علیهم السلام* قابل بررسی است. مهم‌ترین منابع رجالی استفاده شده در این مقاله *رجال و الفهرست شیخ طوسی*، *رجال کثی* و *رجال نجاشی* است. در منابع تاریخ اهل بیت علیهم السلام می‌بایست به *الارشاد شیخ مفید* (م ۴۱۳ هـ.ق)، *مناقب آل ابی‌طالب ابن شهر آشوب* و *کشف الغمّة از علی بن عیسی اربلی* (م ۶۹۳ هـ.ق) اشاره کرد. در پیشینه تحقیق، مهم‌ترین پژوهش، *مسند امام جواد علیه السلام* از عزیزالله عطاردی است که نویسنده با بررسی روایات امام نهم، به شرح حال راویان ایشان نیز پرداخته و منبع‌شناسی مختصری درباره هر یک از

ایشان به دست داده است که این نوشته‌های مختصر، دست‌مایه ابتدایی این مقاله برای شروع پژوهش بوده است. روش این پژوهش در بررسی و شناخت صحابه مورد نظر، روش توصیفی - تحلیلی است. با بررسی منابع کتابخانه‌ای (دست اول و تحقیقی) صحابه برجسته در حوزه مورد نظر، شناسایی و اطلاعات مهم درباره هر یک از آنان گردآوری شد و مورد تبیین و تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش، دو واژه بیش از واژگان دیگر استفاده می‌شود؛ ۱. صحابه، که مقصود از آن، پیروان، دوستان، شاگردان و نزدیکان امام است. ۲. ایرانی، که مقصود از آن در این تحقیق کسانی است که در جغرافیای بزرگ ایران ساکن بوده‌اند؛ خواه اصالتاً ایرانی بوده‌اند و خواه تباری غیر ایرانی داشته‌اند ولی در ایران زاده شده‌اند و خواه اینکه از مهاجران غیر ایرانی به ایران بوده‌اند.

اهمیت این پژوهش در آن است که با بررسی زندگانی هر یک از این شاگردان، کوشش بسیار این افراد برای تداوم و نشر فرهنگ شیعی و نیز اثرگذاری آنان بر علوم و بزرگان علمی جامعه اسلامی روشن می‌گردد. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تبیین نقش یاران ایرانی امام جواد علیه السلام در گسترش فرهنگ اسلامی در زمینه علوم مختلف، به ویژه علم تاریخ، می‌باشد. این مقاله در پی پاسخی مستدل به این سؤال محوری است که یاران ایرانی امام جواد علیه السلام چه نقشی در روند گسترش علوم اسلامی داشتند؟

اوضاع سیاسی فرهنگی جامعه اسلامی در زمان امام جواد علیه السلام

آغاز امامت امام جواد علیه السلام در دوره‌ای بود که اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه، دچار بحران‌های عمیق عقیدتی و درگیری‌های سیاسی مختلف بود. مأمون، مکارترین خلیفه عباسی، با به شهادت رساندن امام رضا علیه السلام، بدنام شده بود و مشروعیتش در جامعه رو به ضعف نهاده بود. به لحاظ فرهنگی، دوره مأمون از پیش‌روترین دوره‌های علمی عصر عباسی به شمار می‌رود. نهضت ترجمه، مدت‌ها قبل از مأمون، در بین دانشمندان مختلف تمدن اسلامی شروع شده بود و عصر طلایی آن، مربوط به این دوره است. رشد و شکوفایی مذاهب فقهی گوناگون نیز از خصوصیات دیگر این دوره است. در دوره مأمون،

معتزله به اوج اقتدار خویش دست یافت. پس از مرگ مأمون در سال ۲۱۸، برادرش معتصم جانشین او شد. همانند دوران مأمون، در دوران وی نیز شورش‌های داخلی و تحریکات خارجی بر ضد خلافت عباسیان شکل گرفت که در مهم‌ترین وقایع داخلی، معتصم با کمک ایرانیان و به ویژه سرداری ایرانی به نام افشین، توانست شورش بابک خرم‌دین و مازیار را، که از حمایت رومیان نیز برخوردار بودند، سرکوب کند و در بعد خارجی نیز با لشکرکشی به روم و فتح عموریه، ضربه سنگینی بر امپراتوری روم وارد آورد.^۹

معتصم عباسی برای مدیریت کشمکش بین فارس و عرب در دستگاه خلافت، و نیز به دلیل اینکه از مادر به نژاد ترک نسب می‌برد، عنصر ترک را در دستگاه خلافت وارد کرد که به همین دلیل از این دوران به بعد، خلفای عباسی کم‌کم اقتدار خویش را از دست دادند و تصمیم‌های مهم دربار خلافت، به دست این گروه بود و تقریباً زعامت دستگاه خلافت بر عهده ایشان بود، به گونه‌ای که خلیفه مجبور شد برای در امان ماندن مردم بغداد از ستم ترکان، پایتخت خلافت را به سامرا منتقل کند. اواخر دوران معتصم عباسی و اوایل دوران واثق، زمان گذار خلافت عباسی از دوره اول خود به دوره بعدی بود؛ از دوره‌ای که اقتدار خلیفه در آن حرف اول را می‌زد به دوره‌ای که ترکان و امرای درباری به جای خلیفه تصمیم می‌گرفتند.

این رویدادهای سیاسی باعث نشد که دستگاه خلافت از اوضاع فرهنگی غافل بماند. مأمون عباسی پس از ورود به بغداد در سال ۲۰۴ هجری قمری، دست به اصلاحات فرهنگی سیاسی زد. وی بیت‌الحکمه را برای استفاده دانشمندان اسلامی بنا نهاد. هیأتی از مترجمان دربار عباسی را به مراکز علمی سرزمین بیزانس فرستاد تا کتب ریاضی، فلسفی و طبّی را با خود به بغداد بیاورند.^{۱۰} وی همچنین از مترجمان خواست تا کتب جمع‌آوری شده ایرانی، یونانی و هندی را ترجمه کنند و بدین ترتیب بیت‌الحکمه را وارث مراکز علمی جندی‌شاپور و اسکندریه قرار داد.

مأمون همچنین به گفت‌وگوی علمی با مذاهب و نحله‌ها و ادیان گوناگون علاقه‌مند

بود و مجالس مناظره‌ای تشکیل می‌داد تا رؤسای این گروه‌ها، همچون زمان امام رضا علیه السلام در مرو و پس از آن حضرت امام جواد علیه السلام در بغداد، به بحث و استدلال بپردازند.^{۱۱} وی از این اقدام، اهداف زیادی را دنبال می‌کرد. مهم‌ترین انگیزه وی از این اقدام، پراکندن دانشمندان و بزرگان، و در نهایت مردم، از گرد امام بود.^{۱۲} ولی نه تنها به این هدف دست نیافت بلکه با پیروزی‌هایی که امام رضا و امام جواد علیه السلام در این مناظره‌ها به دست می‌آوردند، آوازه علمی آنان بیش از پیش انتشار می‌یافت و مشتاقان ایشان زیاد می‌شدند تا جایی که حتی فردی مانند عمران صابی، که در مناظره با امام رضا علیه السلام پی به دانش ایشان برد، در سلک شیعیان خاص ایشان درآمد.^{۱۳}

مأمون، خود از هواداران سرسخت معتزله بود.^{۱۴} به همین دلیل در این زمان نهضت کلامی معتزله، بسیار نیرومند شد و چالش‌های فکری خطرناکی برای شیعه به وجود آورد. خردسالی امام جواد علیه السلام نیز دست‌آویزی شد تا آنان بر مبانی عقیدتی شیعه خرده گیرند. این مسأله، به ویژه در محیط عربی که همواره شیخوخیت بر آن حاکم بود، حتی اصل امامت شیعه را زیر سؤال و هجمه قرار داد. امام محمد تقی علیه السلام که مرجعیت علمی جامعه شیعه را بر عهده داشت، در پاسخ آنان با بیانی مستدل، این توطئه را خنثی می‌کرد و هرگاه فرصتی دست می‌داد، در حالی که هنوز بیش از ده سال نداشت، پرسش‌های بسیار شیعیانش را در این باره پاسخ می‌گفت.^{۱۵} بدین‌سان، امام علیه السلام بر بنیه فکری یارانش می‌افزود تا خود را در برابر انحرافات فکری حفظ کنند.

فعالیت‌های فرهنگی امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام، در این شرایط می‌کوشید با اقدامات فرهنگی خود، جریان تشیع را هدایت کرده، اسلام راستین را به مردم معرفی کند. برخی از فعالیت‌های فراوان فرهنگی امام، در طول هفده سال امامت ایشان، به شرح زیر است.

روایات. آن حضرت در پاسخ به سؤال‌های یارانش و همچنین در مناظراتی که در دربار خلفای عباسی برگزار می‌شد، روایات زیادی بیان کرد که شمار آن به ۴۲۱ مورد می‌رسد.^{۱۶} **مکتوبات.** از امام جواد علیه السلام چندین رساله و پاسخ نامه به شیعیان درباره مسائل دینی بر

جای مانده است.^{۱۷} از جمله سؤال‌هایی که به صورت مسائل امام جواد علیه السلام درآمده، می‌توان به سؤالات احمد بن عبدالله بن عیسی اشعری قمی،^{۱۸} و خیزران بن اسحاق زاکانی^{۱۹} اشاره کرد.

از جمله مکتوبات دیگری که به امام جواد علیه السلام منتسب است کتاب *ادعیة الوسائل الی المسائل* است که امام جواد آن را مهریه ام‌فضل دختر مأمون قرار داد؛ این کتاب در موضوع مناجات و شامل برخی دعاهاست. شیخ ابراهیم کفعمی، این کتاب را از مآخذ کتاب خویش، *البلد الامین*، معرفی است.^{۲۰}

تربیت شاگردان. مهم‌ترین اقدام فرهنگی امام جواد علیه السلام در آن دوران خفقان، تربیت شاگردانی بود که بتوانند با رهنمودهای امام، روشنگر راه مسلمانان باشند. در منابع رجالی، از ۱۱۶ نفر یاد شده که از محضر امام جواد علیه السلام در علوم مختلف بهره برده‌اند، که از این تعداد، ۳۷ نفر ایرانی‌اند.^{۲۱}

بنا به تحقیق نگارنده، بیش از ۲۰ نفر از این تعداد، در نگارش تاریخ فعالیت داشته‌اند که خود بیان‌گر اهمیت این علم در نزد امام جواد علیه السلام و شاگردان ایشان است. از آنجا که خلافت عباسی می‌کوشید وقایع تاریخی و همچنین اقدامات خود را در نظر مردم دیگرگون و موجه جلوه دهد، این شاگردان ایرانی امام، بر آن شدند تا با تألیف کتاب‌های تاریخی، حقایق را بیان کنند و برای بیان وقایع صدر اسلام، علاوه بر منابع موثق تاریخی، از روایات امام، که خالی از هر گونه اشتباه بود، بهره ببرند. نام و آثار برخی از این اصحاب امام، با توضیحی در خور این مجال، به ترتیب تاریخی در ادامه می‌آید.

۱. محمد بن خالد بن عبدالرحمن برقی قمی (م بعد از ۲۲۰هـ.ق). نجاشی کنیه وی را ابوعبدالله می‌داند و او را از موالی ابوموسی اشعری در روستای برق‌رود سواد قم برمی‌شمارد.^{۲۲} به نوشته شیخ طوسی، وی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بوده و از آنان روایت نقل کرده است،^{۲۳} ولی آقابزرگ تهرانی وی را در شمار اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام بیان کرده است.^{۲۴} نجاشی وی را در علم

حدیث ضعیف می‌داند، ولی می‌گوید وی در ادبیات و علوم عرب و اخبار و وقایع، از نام‌داران زمان خود بوده است.^{۲۵} او علاوه بر حدیث و ادبیات عرب، در تاریخ نیز کتاب‌هایی داشته است که از آن جمله می‌توان به کتاب *الرجال*، کتاب *طبقات الرجال*، کتاب *الفروق*، کتاب *الانبياء و الرسل*، کتاب *الجمل*، کتاب *الاوائل*، کتاب *التاریخ*، کتاب *المأثر*،^{۲۶} و کتاب *الاوس و الخزرج*^{۲۷} اشاره کرد. وی در جغرافی نیز دو تألیف با نام‌های *کتاب مکه و مدینه* و *کتاب البلدان و المساحة* دارد.^{۲۸}

آن گونه که از فهرست آثار محمد بن خالد برمی‌آید، وی سعی داشته در زمینه‌های مختلف تاریخی نگارش داشته باشد. کتاب‌هایی که او در جغرافیا تألیف کرده، بیان‌گر اطلاعات وی درباره سرزمین‌های اسلامی است. او در زمینه حوادث دوران حضرت علی علیه السلام نیز دست به تألیف زده و درباره جنگ جمل، که از حوادث مهم تاریخ شیعه است، کتابی مستقل نگاشته است. به نظر می‌رسد کتاب *الرجال* و کتاب *طبقات الرجال* او یکی باشد که دو گونه ثبت شده است.

۲. حسن بن سعید بن حماد اهوازی (م بعد از ۲۲۰هـ.ق). جد وی، مهرا، از غلامان امام زین العابدین علیه السلام بود.^{۲۹} حسن و برادرش، حسین، به دلیل خفقان حاکم بر منطقه عراق، از کوفه به قم هجرت کردند و نزد حسن بن ابان^{۳۰} ساکن شدند.^{۳۱} این دو از محدثان و فقهای مشهور قم و از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام به شمار می‌روند و از این بزرگواران روایت نقل کرده‌اند.^{۳۲}

کشی درباره منابع روایی حسن بن سعید چنین می‌نویسد: «حسن، برادر حسین، در جمیع اساتید خود مشترک بودند مگر زرعه بن محمد حصرمی و فضاله بن ایوب».^{۳۳} حسن بن سعید، همانند برادرش، آثار فراوانی دارد که تعداد آن را نزدیک پنجاه کتاب بیان کرده‌اند؛^{۳۴} یکی از دلایل شهرت وی همین آثار زیاد اوست.

وی در علم تاریخ، کتاب‌هایی هم‌نام آثار تاریخی برادرش به رشته تحریر درآورده

است: *کتاب المناقب*، *کتاب المثالب* و *کتاب الملاحم*.^{۳۵} این تشابه، این گمان را پدید می‌آورد که این کتاب‌ها از آن یکی از این دو برادر بوده و به اشتباه به دیگری نسبت داده شده است و یا اینکه هر دو در تألیف این کتاب‌ها نقش داشته‌اند.

۳. **عبدالسلام بن صالح (ابوالصلت هروی)** (م ۲۳۶ هـ.ق). کنیه او ابوصلت است و از اصحاب امام رضا^{۳۶} و امام جواد^{۳۷} می‌باشد. خاندان او اصالتاً اهل هرات، از توابع خراسان، بودند که سپاهیان اسلام آنان را به مدینه بردند و ایشان از موالیان عبدالرحمن سمره شدند. وی در مدینه به دنیا آمد و در همان جا بزرگ شد. در فضایل وی آمده است که پنجاه نوبت به زیارت خانه خدا رفت.^{۳۸}

تنها کتابی که وی در زمینه تاریخ نگاشت *کتاب وفاة الرضا* است.^{۳۹} این کتاب ارزش تاریخی بسیاری دارد؛ زیرا ابوصلت که خادم امام رضا^{۴۰} نیز بود، از نزدیک شاهد دسیسه دربار عباسی برای قتل امام بود و پس از اینکه امام رضا^{۴۱} به دست مأمون شهید شد، مأمون خود را خون‌خواه امام نشان داد و مانع شد که شیعیان به جنایت او پی ببرند. ابوصلت با تألیف این کتاب، پرده از جنایت مأمون برداشت.

شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا*^{۴۲} روایات زیادی از این کتاب نقل کرده است. محمد بن فتال نیشابوری^{۴۳} نیز در کتاب *روضه الواعظین*، اخبار وفات امام رضا^{۴۴} را از همین کتاب نقل کرده است که این نشان می‌دهد این کتاب تا سال تألیف *روضه الواعظین*، یعنی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، موجود بوده است.

۴. **دعبل خزاعی** (م ۲۴۵ هـ.ق). دعبل بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمن بن عبدالله بن بدیل و رقاء خزاعی، ملقب به ابوعلی الشاعر،^{۴۱} از اصحاب و شعرای معروف امام رضا و امام جواد و امام هادی^{۴۲} است. او در روستایی بین اهواز و واسط، در سال ۱۴۸ یا ۱۴۲ به دنیا آمد و کنیه ابوجعفر دارد.^{۴۲}

از جمله کتاب‌هایی که وی در زمینه تاریخ تألیف کرده، می‌توان کتاب *طبقات الشعراء* و

کتاب *الواحدة* در بیان مثالب عرب را نام برد.^{۴۳}

۵. علی بن مهزیار اهوازی (م ۲۵۴ هـ.ق). وی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام به شمار می‌رود.^{۴۴} کنیه‌اش ابوالحسن، دورقی الاصل^{۴۵} و پدرش در ابتدا نصرانی بوده است. پدرش دین اسلام را پذیرفت و علی بن مهزیار نیز مسلمان شد.^{۴۶} کشی، وی را از علما و محدثان مشهور شیعه و صاحب ۳۳ اثر می‌داند که تألیفاتش نیز شهرت داد.^{۴۷}

از جمله کتاب‌های علی بن مهزیار در علم تاریخ، می‌توان به کتاب *مثالب*، کتاب *الانبیاء*،^{۴۸} کتاب *وفات ابوذر*، کتاب *اسلام سلمان فارسی* و کتاب *حدیث بدر* (سخنانی درباره جنگ بدر) اشاره کرد.^{۴۹} از عناوین این کتاب‌ها به دست می‌آید که وی با درک شرایط زمان خود و برای مقابله با تحریفات تاریخی، دست به تدوین کتاب زده است؛ مثلاً به نظر می‌رسد کتاب *اسلام سلمان فارسی* را برای مقابله با نژادپرستی و شعوبی‌گری در آن زمان تألیف کرده باشد. اصل این کتاب به دست ما نرسیده، ولی شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* روایاتی درباره اسلام آوردن سلمان از علی بن مهزیار نقل می‌کند^{۵۰} که شاید نشان دهد که شیخ صدوق، اصل این کتاب را در اختیار داشته است. وی در فضائل‌نگاری نیز تألیفاتی دارد که کتاب *فضائل امیرالمؤمنین، فضائل المؤمنین و امیرهم و کتاب القائم* از آن جمله‌اند.^{۵۱}

علی بن مهزیار در سال ۲۵۴ هجری وفات یافت و در جاجرم، از توابع خوزستان، دفن گردید و امروزه آرامگاه وی زیارتگاه مردم است.

۶. حسین بن سعید بن حماد اهوازی (م بعد از ۲۵۴ هـ.ق). وی برادر حسن بن حماد می‌باشد و چنانچه بیان شد با هم‌دیگر به قم هجرت کردند و در آن جا ساکن شدند و در همان جا نیز وفات یافتند.^{۵۲}

حسین بن سعد کتاب‌های بسیاری در علوم مختلف تألیف کرد که تعدادی از آن در

رابطه با علم تاریخ است و از آن میان می‌توان کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب الملاحم و کتاب المزار را نام برد.^{۵۳} کتاب المزار وی از اولین کتاب‌هایی است که در این دوران به مزارات اسلامی توجه داشته است و از این جهت حائز است.

از کتاب‌های حسین بن سعید تا کنون دو کتاب با نام‌های المؤمن^{۵۴} و الزهد^{۵۵} ترجمه و چاپ شده است. از نسخ خطی کتاب‌های وی نیز، تنها نسخه‌ای از کتاب الصوم در کتاب‌خانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.

۷. محمد بن عیسی بن یقین (م ۲۶۰هـ.ق). کنیه وی ابوجعفر است و کشی او را از موالی اسد بن خزیمه می‌داند.^{۵۶} شیخ طوسی نیز او را از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام معرفی می‌کند.^{۵۷} آیت الله سبحانی درباره وی می‌نویسد: «محمد بن عیسی از اصحاب چهار امام بزرگوار، علی بن موسی الرضا، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام بوده و همین امر موجب شده که درهای علم و معرفت به رویش گشوده شود و در فقه و حدیث و کلام متبحر گردد».^{۵۸}

وی علاوه بر تألیفاتی که در زمینه فقه و حدیث و کلام داشته و فقیهانی همچون شیخ کلینی و شیخ طوسی از آن‌ها بهره برده‌اند،^{۵۹} در زمینه تاریخ نیز آثاری داشته که از آن جمله می‌توان کتاب الاصل و الرجاء و کتاب الرجال را نام برد. کتاب الرجال وی، در این زمینه حائز اهمیت است. نجاشی این کتاب را با دو واسطه روایت کرده است.^{۶۰}

۸. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م بعد از ۲۷۴هـ.ق). وی نیز از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام به شمار می‌رود.^{۶۱} چنانچه از اسم وی هم مشخص است، او از خاندان اشعریان ساکن در قم است. نجاشی وی را از خاندان «بنی ذخران بن عوف بن جماهر بن اشعر» بیان می‌کند و می‌نویسد که برخی از صحابه او را از اشعریان می‌دانند و نسب وی را «احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک بن هانی بن عامر بن ابی عامر الاشعری» می‌دانند.^{۶۲} احمد بن عیسی از بزرگان و شیوخ قم

در زمان خود به شمار می‌رفت و سرپرست هیأتی بود که به دیدار حاکم قم رفتند.^{۶۳} تاریخ وفات وی مشخص نیست ولی از فحوای آثارش مشخص است که تا سال ۲۷۴ زنده بوده است.^{۶۴}

وی از مفسران و فقهای شیعه به شمار می‌رود و علاوه بر این، در علوم طب و تاریخ نیز صاحب تألیف است.^{۶۵} در علم تاریخ بیشتر به فضائل‌نویسی توجه داشته است؛ دو کتاب *فضل النبی صلی الله علیه و آله* و *فضائل العرب*^{۶۶} از جمله آثار تاریخی وی به شمار می‌رود.

همان‌گونه که از نام این دو کتاب مشخص است، کتاب *فضائل العرب* درباره برتری اعراب بوده و احتمالاً به دلیل رشد شعوبی‌گری در آن دوره تاریخی، به نگارش درآمده است. دیگر کتاب وی، *فضل النبی صلی الله علیه و آله*، را هم می‌توان کتابی تاریخی برشمرد و هم کتابی اخلاقی کلامی؛ چرا که به برتری‌های حضرت محمد پرداخته است. آقابزرگ تهرانی در *الذریعه*، از این دو کتاب با استناد به رجال نجاشی یاد می‌کند و ظاهراً از این دو کتاب اثری به جای نمانده است.

۹. احمد بن ابی‌عبدالله محمد بن خالد برقی قمی (م ۲۷۴هـ.ق). وی از صحابه و شاگردان امام جواد و امام هادی علیه السلام به شمار می‌رود.^{۶۷} کشی درباره او چنین می‌نویسد: «وی اصلتاً از اهالی کوفه است. یوسف بن عمر، پس از قتل زید شهید، محمد بن علی جد اعلای برقی را نیز زندانی کرد و به قتل رساند، در این هنگام او [احمد] به همراه پدرش [محمد] برای در امان ماندن از تهدیدات، به سوی بقرود متواری شد.»^{۶۸} احمد بن محمد برقی در برابر پدرش، محمد بن خالد برقی که به کبیر شهرت دارد، ملقب به صغیر است.^{۶۹} وی در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ وفات یافت.^{۷۰}

وی در دانش‌های مختلفی چون ریاضیات، نجوم، طب، شعر و اخلاق تألیفات دارد. او در شاخه‌های مختلف علم تاریخ نیز مهارت داشته است به گونه‌ای که علاوه بر کتاب‌هایی که در تاریخ و جغرافیا نگاشته، کتاب‌هایی در رجال و انساب نیز به وی منسوب است؛ و به همین دلیل سید محسن امین او را از نسب‌شناسان شیعه برشمرده است.^{۷۱}

از جمله کتاب‌های تاریخی احمد بن ابی عبدالله می‌توان کتاب النساء، کتاب الطبقات، کتاب المساجد الاربعه، کتاب الرجال، کتاب الفروق، کتاب الاوائل، کتاب التاريخ، کتاب الانساب، کتاب المغازی، کتاب التهنانی، کتاب التعازی، کتاب اخبار الامم، کتاب الملاحم^{۷۲} و کتاب التبیان فی اخبار بغداد^{۷۳} را نام برد. وی در طبقات‌نویسی، علاوه بر کتاب الطبقات، کتاب دیگری با نام کتاب الشعر و الشعراء تألیف کرده است.^{۷۴}

از بین کتاب‌های تاریخی وی الرجال او اهمیت فراوانی دارد که به کتاب رجال برقی معروف است. مؤلف، این کتاب را در چهارده باب تنظیم کرده است. در باب اول تا دوازدهم به ترتیب، صحابه حضرت محمد ﷺ تا اصحاب امام یازدهم را بیان کرده است. سپس در باب سیزدهم به همسران حضرت رسول و کسانی که از ایشان روایت کرده‌اند پرداخته، و در باب آخر کتاب نیز درباره کسانی که خلافت ابوبکر را قبول نکرده‌اند مطالبی آورده است.^{۷۵}

نجاشی در ذکر کتاب‌های احمد بن محمد برقی پس از کتاب الرجال کتاب دیگری با عنوان طبقات را نام می‌برد؛ ولی در فهرست شیخ طوسی فقط کتاب طبقات بیان شده و چنین به دست می‌آید که این دو اثر در واقع یکی است و احتمالاً نام اصلی آن هم طبقات الرجال بوده است زیرا سبک این کتاب به شیوه طبقات می‌باشد. این کتاب بارها تصحیح و چاپ شده است که از آن میان، می‌توان تصحیح سید کاظم میاموی، نجم الدین عسکری، سید شیرمحمد همدانی و سید ابوالقاسم اصفهانی را نام برد.^{۷۶}

وی همچنین برای بیان واقعیات صدر اسلام، دست به نگارش زد و در این زمینه کتابی با نام المغازی نگاشت و در آن به شرح جنگ‌های پیامبر پرداخت. از دیگر کتاب‌های مهم وی در زمینه تاریخ، کتاب‌های التبیان فی اخبار بغداد، التهنانی و التعازی است. وی با نگارش این دو کتاب، به تاریخ اجتماعی مسلمانان و به خصوص شیعیان پرداخت و در آن، مسائلی مانند شادباش‌گویی در اعیاد، میلادها و دیگر ایام شاد، و شکیب بودن صاحبان

مصیبت در ایام اندوه را بیان کرده که در نوع خود برای بررسی مسائل تاریخی بسیار مهم است. از کتاب *التعازی* اثری بر جای نمانده است ولی پاره‌هایی از آن در آثار مورخان بعدی یافت می‌شود که نشان می‌دهد مورخان از این کتاب بسیار بهره می‌برده‌اند.

۱۰. احمد بن داود بن سعید فزاری (۲۷۵هـ.ق). وی مکنی به ابویحیی جرجانی، اصالتاً ایرانی و پرورش‌یافته در گرگان بود. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام برمی‌شمارد^{۷۷} ولی ابن شهر آشوب او را از اصحاب امام جواد علیه السلام نیز دانسته است.^{۷۸} وی در ابتدا از محدثان اهل سنت بود که پس از تحقیق، به مذهب شیعه روی آورد^{۷۹} و کتاب‌هایی بر رد مذهب حشویه^{۸۰} نگاشت. از جمله این آثار که جنبه تاریخی دارد می‌توان کتاب *خلاف عمر بروایة الحشویة*، کتاب *مفاخر البکریه و العمریه* و کتاب *الصحاک* (نام یکی از رؤسای فرقه حشویه)^{۸۱} را نام برد.

۱۱. محمد بن عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع بن مالک حمیری. او را از اصحاب امام رضا و امام جواد علیه السلام نام برده‌اند.^{۸۲} وی محدثی است که شیخ صدوق و شیخ کلینی از آثار وی استفاده کرده‌اند.^{۸۳} او علاوه بر علم حدیث، در زمینه جغرافیا کتاب‌های *السماء*، *کتاب الارض*، *کتاب المساحة و البلدان* و در زمینه تاریخ کتاب *الاولئ* را تألیف کرده است.^{۸۴}

نتیجه

امام جواد علیه السلام در طول حیات سیاسی فرهنگی خود، می‌کوشید تا حقایق اسلام ناب را برای مردم بیان کند. به دلیل محدودیت‌هایی که خلافت عباسی برای امام به وجود آورده بود، ایشان ناچار بود سیاست تقیه را پیش بگیرد تا از فشار دستگاه خلافت بر خود و شیعیانش بکاهد.

امام جواد علیه السلام برای پیشبرد اهداف خود و ادای وظایف امامت، شاگردانی تربیت کرد تا در آن جو خفقان، نایب ایشان و منتقل‌کننده سخنان ایشان به مردم و نسل آینده باشند.

این شاگردان فراوان امام، نه تنها بیان کننده احکام اسلامی بودند بلکه با توجه به شرایط زمانه، هر یک در علمی خاص صاحب نظر و گاه صاحب تألیف بودند.

نگاهی به آثار شاگردان آن حضرت نشان می‌دهد که امام علیه السلام در بیشتر دانش‌های رایج آن زمان صاحب نظر بوده است و شاگردان تربیت شده ایشان، هر یک مرجع علمی آن علم به شمار می‌رفته‌اند؛ به گونه‌ای که دانشمندان دوره‌های بعد توانستند با بهره‌گیری از این آثار به درجات بالای علمی رسیده، دست‌آوردهای آنان را دنبال کنند.

در بین شاگردان امام جواد علیه السلام، افرادی برای بیان حقائق تاریخی اسلام به جرگه تاریخ‌نگاران درآمدند و سعی کردند با استفاده از روایات امام جواد علیه السلام، حقایق تاریخی را که در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس کمتر بیان شده بود، بیان کنند و پرده از برخی حقایق تحریف شده بردارند. در این بین، شاگردان ایرانی آن حضرت نیز سهمی داشتند تا بدین وسیله هم ارادت خود را به ساحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امامان شیعه بیان کنند و هم با توجه به روحیه تعصب عربی از یک سو و شعوبی‌گری ایرانی از سوی دیگر، که در آن روزگار مشکلاتی را به وجود آورده بود، حقایق تاریخی را بیان کنند و با بیان تاریخ صحیح اسلام، شیعیان را از گرویدن به این فضاهای آلوده حفظ کنند.

حاصل این تلاش‌ها، نگارش کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف تاریخی از جمله سیره، رجال، طبقات، ملاحم و مزارات بود که راه‌گشای مورخان بعدی قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۷۹.
۲. از راویان احادیث رضوی. نمونه حدیث وی را بنگرید در: شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۰.
۳. از راویان احادیث رضوی. نمونه حدیث این دو را بنگرید در: علامه مجلسی، بحار الانوار، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۱.
۴. شیخ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: المکتبۃ العلمیة الاسلامیة، ۱۳۳۸، ص ۳۳۱.
۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ترجمه و تعلیقات محمدجواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۹۰.
۶. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۴۷۳.
۷. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۹.
۸. ابو عبدالله خوارزمی در اواخر قرن چهارم هجری در اثر مهم خویش، مفاتیح العلوم، علوم اسلامی را شامل دو بخش نموده است. علوم شرعی که اساس و غایت علوم اسلامی است و بر سایر علوم برتری دارد و علوم ادبی که ابزاری برای وصول به هدف و درک صحیح و دقیق علوم شرعی است؛ بنگرید: خوارزمی، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۶. وی تاریخ را جزو علوم دسته دوم قرار داده است. این تقسیم‌بندی تا مدت‌ها محل توجه اندیشمندان اسلامی بود و در طبقه‌بندی علوم اسلامی از آن استفاده می‌شد.
۹. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱، ص ۴۴۵.

۱۰. قفطی، علی بن یوسف، *تاریخ الحکماء*، ترجمه بهین دارانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۵۱ و ۶۴ و ۸۳.
۱۱. دینوری، پیشین، ص ۴۴۲.
۱۲. برای مطالعه درباره اهداف مأمون از این گونه موضع گیری در قبال امام، رک: ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۴-۳۵۱.
۱۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۵۴.
۱۴. قفطی، پیشین، ص ۵۱.
۱۵. برای نمونه، رک: امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۶۳.
۱۶. حسینیان مقدم، حسین و...، *تاریخ تشیع*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۷۹.
۱۷. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۹.
۱۸. نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، قم: انتشارات الاسلامی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۱.
۱۹. امین عاملی، پیشین، ج ۶، ص ۳۶۳.
۲۰. آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۰۱.
۲۱. شیخ طوسی، *رجال طوسی*، نجف: الحیدریة، ۱۳۸۰ق، ص ۳۷۳.
۲۲. همان، ص ۲۳۶.
۲۳. همان، ص ۴۳۵.
۲۴. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۱۵۸.
۲۵. نجاشی، پیشین، ص ۳۳۶.
۲۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه رضا تجدد، بی جا: ۱۳۴۶، ص ۴۰۵-۴۰۴.
۲۷. نجاشی، پیشین، ص ۲۳۵.

۲۸. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۶.
۲۹. همان، ص ۵۹.
۳۰. از بزرگان و مشایخ قم؛ ر.ک: امین عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۶۲۵.
۳۱. همان.
۳۲. شیخ طوسی، پیشین، ص ۳۹۹.
۳۳. شیخ طوسی، پیشین، ص ۵۹.
۳۴. همان، ج ۱، ص ۵۵۱.
۳۵. نجاشی، پیشین، ص ۲۳۵.
۳۶. نجاشی، پیشین، ص ۲۴۶.
۳۷. قزوینی، محمدکاظم، الامام جواد من المهد الى اللحد، قم: ناشر مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۵.
۳۸. عزیزی، حسین و...، راویان مشترک امامان شیعه، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۸.
۳۹. نجاشی، پیشین، ص ۲۴۵.
۴۰. مقتول در سال ۵۰۸ قمری.
۴۱. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸.
۴۲. قریشی، سید حسن، اصحاب ایرانی ائمه اطهار علیهم السلام، قم: نشر آشیانه مهر، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲.
۴۳. نجاشی، پیشین، ص ۱۶۲.
۴۴. شیخ طوسی، پیشین، ص ۴۳۰.
۴۵. دورق: نام قدیم شادگان از توابع اهواز.
۴۶. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانة الادب، بی‌جا: شرکت سهامی نشر کتاب، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۹.
۴۷. شیخ طوسی، پیشین، ص ۲۵۴.

۴۸. همان، ص ۲۳۵.
۴۹. دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۳.
۵۰. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (جامعه مدرسین قم)، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲.
۵۱. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۵۱.
۵۲. امین عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۶۲۵.
۵۳. همان.
۵۴. مشخصات نشر: اصفهان: انتشارات حسینیہ عمادزاده، ۱۳۷۰، ۱۲۸ ص.
۵۵. مشخصات نشر: تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: انتشارات المطبعة العلمية.
۵۶. شیخ طوسی، پیشین، ص ۳۳۴.
۵۷. همان، ص ۴۳۵.
۵۸. آیت الله سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم: ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۵۳.
۵۹. همان، ص ۵۵۴.
۶۰. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱۰، ص ۹۱.
۶۱. شیخ طوسی، پیشین، ص ۳۷۹ و ۴۰۹.
۶۲. نجاشی، پیشین، ص ۸۱-۸۲.
۶۳. شیخ طوسی، الفهرست، بی جا: المكتبة المرتضوية، بی تا، ص ۴۶-۴۷.
۶۴. آیت الله سبحانی، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۱.
۶۵. شیخ طوسی، الفهرست، پیشین، ص ۲۸۸.
۶۶. نجاشی، پیشین، ص ۸۱-۸۲.
۶۷. همان، ص ۳۸۹.

۶۸. شیخ طوسی، رجال طوسی، پیشین، ص ۷۷.
۶۹. مدرس تبریزی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۵.
۷۰. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۳.
۷۱. امین عاملی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۷.
۷۲. نجاشی، پیشین، ص ۷۶-۷۷.
۷۳. امین عاملی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۷.
۷۴. همان، ص ۱۹۰.
۷۵. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۴۸-۱۴۹.
۷۶. حسینی جلالی، سید محمدحسین، فهرس التراث، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۹۱.
۷۷. شیخ طوسی، رجال طوسی، پیشین، ص ۳۹۷.
۷۸. قزوینی، پیشین، ص ۱۲۳.
۷۹. نجاشی، پیشین، ص ۴۴۵.
۸۰. حشویه بر فرقه ای از عام (اهل سنت) اطلاق می شود که به هر خبری، هر چند متناقض عمل می کنند و به ظواهر قرآن، هر چند مخالف با دلیل قطعی، تمسک می جویند؛ در بُعد اعتقادی قائل به جبر و جسمیت و شباهت خداوند به خلقتش می باشند؛ بنگرید: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، تصحیح محمد ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی النجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۴۰۴.
۸۱. نجاشی، پیشین، ص ۴۴۵.
۸۲. قاضی نورالله شوشتری، الصوارم المهرقة، تهران: انتشارات چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۳۷.
۸۳. آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۷۳.
۸۴. نجاشی، پیشین، ص ۳۵۴.